

اخلاق

فصلنامه علمی-ترویجی در حوزه اخلاق

سال هفتم، شماره ۲۶، پیاپی ۴۸، تابستان ۱۳۹۶

صفحات ۱۱-۲۸

AKHLAGH
Religious Extension Quarterly
No.26/ SUMMER 2017/Seventh Year

اصول ارتباط اجتماعی با زنان بر اساس سیره عملی پیامبر ﷺ

طاهره رجبی، * حسنعلی بختیار نصرآبادی **

چکیده

انسان موجودی اجتماعی است. بر همین اساس، بسیاری از اهداف جامعه اسلامی در بستر جامعه و بر پایه تعامل و ارتباط شایسته انسان‌ها محقق می‌شود. افراط و تفریط همواره معضلی در برقراری روابط اجتماعی بوده است.

این مقاله می‌کوشد با توجه به سیره عملی پیامبر ﷺ در روابط با زنان، به یک الگو دست یابد. روش تحقیق در این مقاله، مطالعات تاریخی است و شواهد از کتب تاریخی جمع‌آوری شده است. بررسی شواهد تاریخی نشان داد رفتار پیامبر ﷺ بیانگر کوشش ایشان برای اصلاح تفکر جامعه درباره زنان و برگرداندن منزلت واقعی آنهاست. در روابط اجتماعی با زنان، توجه به انسانیت زن مهم است. رعایت کرامت، استقلال، عدالت و معرفت در رفتار پیامبر ﷺ با زنان مشهود بود. همچنین، در حوزه تفاوت‌های زن و مرد، ارتباط پیامبر ﷺ با زنان از یک سو عاطفی و منطبق با احساسات آنان و از سوی دیگر، بر پایه عفت استوار بود. پیامبر اکرم ﷺ به منزله انسان کامل، در روابط با زنان به هر دو بُعد انسانی و احساسی آنها توجه می‌کرد و در حوزه رفتار با زنان بهترین تعامل را داشت.

* دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه اصفهان.

t.rajabi12@yahoo.com

** دانشیار گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه اصفهان.

h.nasrabadi@edu.ui.ac.ir

تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۰۷/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۷/۱۹



واژگان کلیدی

زن، بُعد انسانی، بُعد اجتماعی، سیره عملی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ارتباط با زنان.

مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است و اجتماعی بودن از ویژگی‌های فطری اوست. اهمیت جامعه با آمدن پیامبران بیش از پیش آشکار شد. دین اسلام در مقایسه با ادیان دیگر به اجتماع و جامعه انسانی توجه بیشتری داشته است و در هیچ شأنی از شئون انسانی مسئله اجتماع را مهمل نگذاشته است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۴۵ تا ۱۴۸). از ضرورت‌های تشکیل جامعه، نوع و نحوه ارتباط اعضای آن جامعه با یکدیگر است. اعضای جامعه را زنان و مردان تشکیل می‌دهند و بخشی از ارتباطات جامعه به ارتباط زن و مرد اختصاص دارد. چگونگی این ارتباط با توجه به نگاهی که در جوامع مختلف به جنس زن می‌شود، متفاوت است.

موضوع ارتباط با زن در طول تاریخ با نگاه‌های متفاوتی تحلیل شده و همواره با انتقادات جنجالی و افراط و تفریط‌هایی روبه‌رو بوده است. به طور کلی، دو نگرش نادرست درباره زن وجود دارد: یک نگاه، زن را موجودی در حاشیه و محروم از حقوق اجتماعی می‌داند که از هیچ‌گونه فرصتی برای رشد اجتماعی و ارتباطی برخوردار نیست. در نگاه مقابل که در بعضی از جوامع مدرن حاکم است، زن خواهان حقوق مساوی با مرد است و از هر فرصتی برای حضور در اجتماع و ارتباطات استفاده می‌کند.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به منزله انسان کامل و الگوی حسنه، با تشکیل حکومت و تعامل با مردم، برنامه اسلام را برای تشکیل اجتماع انسانی با هدف تحقق سعادت، به طور عملی نشان دادند. پیامبر صلی الله علیه و آله در جامعه‌ای مبعوث شدند که در آن، زنان از کمترین حقوق و احترام انسانی برخوردار بودند. در دوره جاهلیت، زنان وضعیتی نامناسب داشتند؛ مانند کالایی خرید و فروش می‌شدند و از هرگونه حقوق اجتماعی و فردی حتی ارث محروم بودند. عرب‌ها، زن را در شمار حیوانات قرار داده و او را جزو لوازم و اثاث زندگی



می‌شمردند. غالباً از بیم قحطی یا از ترس آلودگی، دختران خود را در بدو تولد سر می‌بریدند یا به دره‌ای عمیق پرتاب می‌کردند و گاه در آب غرق می‌کردند (سبحانی، ۱۳۸۷). در چنین شرایطی، در جاهلیت فکری مردم عربستان، پیامبر ﷺ مبعوث شد تا با تبیین آموزه‌های اسلامی به اصلاح مردم و هدایت آنان به سوی زندگی درست و همراه با روابط شایسته اقدام کند و خط بطلانی برسوم غلط جامعه عرب بکشد.

زن از برکت اسلام به مقامی رسید که دنیای قبل از اسلام با همه قدمت خود نتوانسته بود چنین مقامی به او بدهد و اگر اکنون شاهد وضعیت مطلوبی برای زنان نیستیم، بدان دلیل است که شناخت درستی از منزلت زن وجود ندارد و درباره این موضوع سلیقه‌ای برخورد می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۱۴). پیامبر ﷺ در آغاز بعثت، در شهر مکه، به بیان مسائل اعتقادی پرداختند تا جهان بینی و طرز فکر مردم را اصلاح کنند و بر اساس اعتقادات توحیدی، زن و مرد را به شئون وجودی خود آگاه کنند و به جایگاه خلیفه‌اللهی برسانند. در آن زمان، جایگاه زن در جامعه عرب تضعیف شده بود. پیامبر ﷺ کوشیدند تعریفی صحیح از زن ارائه کنند تا زن هویت گمشده‌اش را بر اساس فطرت انسانی و ویژگی‌های وجودی خود کشف کند و با شناخت صحیح از ارتباطات و تعاملات که ضرورت زندگی اجتماعی است، از حسن روابط اجتماعی برخوردار شود.

هدف از این مقاله، ترسیم وضعیت مطلوبی است که از رعایت اصول ارتباط با زنان بر اساس سیره عملی پیامبر ﷺ حاصل می‌شود. این مقاله در پی یافتن پاسخ این سؤال است: اصول تربیتی در برقراری ارتباط با زن در جامعه چیست؟

اسلام برای اجتماع و رسیدن به جامعه مطلوب اخلاقی اهمیتی زیاد قائل است و همچنین، نگاهی انسانی و متعالی به زن دارد. از این رو، برای رسیدن به اهداف جامعه مطلوب در سطوح خرد و کلان، بررسی ارتباطات انسانی در جامعه، به ویژه ارتباط زن و مرد، از نگاه اسلام و بر مبنای سیره پیامبر ﷺ ضرورت دارد. این مقاله می‌کوشد با پژوهش تاریخی در زندگانی مردم عصر پیامبر ﷺ و آشنایی با چگونگی ارتباطات پیامبر ﷺ با زنان، به الگوی مطلوب ارتباط زن و مرد برسد.





تحقیقات مختلفی درباره موضوع زن از نگاه پیامبر صلی الله علیه و آله انجام شده است. شفیع (۱۳۹۱) در مقاله «زن از نگاه پیامبر» به بیان دیدگاه‌هایی پرداخته که موضوع ارتباط با زن را در فضای خانواده تحلیل می‌کند. وی به جایگاه زن در اجتماع اشاره‌ای نکرده است. سبحانی نژاد و علیین (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین نظام مطلوب روابط اجتماعی براساس آموزه‌های تربیتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نهج الفصاحه» به تبیین نظام مطلوب در حوزه روابط اجتماعی پرداخته و اصولی را مشخص کرده‌اند که در حوزه مشترک روابط انسانی مطرح است. جمشیدیها و زائری (۱۳۸۷) در مقاله خود به بررسی سیاست‌گذاری پیامبر در زمینه فرهنگی و تأثیر آن بر موقعیت فرهنگی-اجتماعی زنان در جامعه جاهلی آن زمان پرداخته‌اند. در این مقاله، جایگاه زن در گفتمان قومی و قبیله‌ای روزگار جاهلی با جایگاه آن در گفتمان نبوی با تأکید بر کرامت انسانی زن، مقایسه شده است. طیبی (۱۳۸۶) در کتاب به تحلیل رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله با زنان در خانواده و جامعه پرداخته است. بنابراین، هنوز تحقیق مستقلی درباره اصول ارتباط پیامبر صلی الله علیه و آله با زنان در سطح اجتماع انجام نشده است. مطالعه دقیق تاریخ زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله و سیره عملی ایشان برای رسیدن به دیدگاهی متعادل درباره نحوه ارتباط اجتماعی مردان و زنان ضرورت دارد.

روش پژوهش

در این مقاله، از روش مطالعات تاریخی استفاده شده است. پژوهش تاریخی فرآیند جستجوی نظام‌مند داده‌ها برای پاسخ به سؤالات مربوط به وقایع گذشته است؛ با این هدف که درک بهتری از عملکردها و مسائل کنونی تعلیم و تربیت حاصل شود (نصرو همکاران، ۱۳۸۳، ص ۱۱۲۹ تا ۱۱۳۰). یکی از اهداف این‌گونه پژوهش‌ها فراهم کردن چهارچوبی اخلاقی برای درک زمان حال است. مراحل انجام تحقیق تاریخی به شرح زیر است: ابتدا مسئله تحقیق تعریف می‌شود. بعد، منابع لازم برای دستیابی به داده‌های تاریخی جستجو می‌شود. فهرست منابع از پیش تعیین شده نیست، بلکه این فهرست در هنگام پیشرفت کار بازنگری و کامل می‌شود. سپس، باید منابع تاریخی را تلخیص و

ارزیابی کرد و سرانجام داده‌های مرتبط با موضوع را در چهارچوبی تحلیلی ارائه داد (همان، ص ۱۱۳۸ تا ۱۱۳۵). برای این مقاله، نخست کتب تاریخی زندگانی پیامبر ﷺ بررسی شد. توضیح این که اول از منابع قدیمی عربی که به فارسی ترجمه شده بود، استفاده شد و بعد به کتب عام‌تر تاریخی و کتب رجال رجوع شد. از این میان، کتاب‌هایی مانند ترجمه طبقات الکبری که در جلد جداگانه‌ای به معرفی زنان صدر اسلام پرداخته است، بیشتر به کار آمد. یادداشت‌های لازم جمع‌آوری و دسته‌بندی شد و براساس آنها اصول ارتباط پیامبر ﷺ با زنان تحلیل گردید.

گونه‌های ارتباط

تا گروهی از افراد در کنار هم قرار نگیرند و روابط و تعاملات میان آنها برقرار نشود، اجتماع مفهومی نخواهد داشت. از لوازم ضروری تشکیل جامعه، برقراری ارتباطات میان افراد است (فرهنگی، ۱۳۸۷، ص ۱۳). این ارتباطات به سه گونه ارتباط با خود، ارتباط با دیگران و ارتباط جمعی ظهور می‌یابد. ارتباط با دیگران به فرآیند تفهیم و تفاهم میان یک شخص و انسان‌های دیگر گفته می‌شود. این ارتباط به دلایل مختلف شکل می‌گیرد: برای حل مسائل و مشکلات خود با دیگران، رفع تضادها و تعارضات، مبادله اطلاعات، درک بهتر خود، رفع نیازهای اجتماعی و موارد بسیار دیگری که لزوم ارتباط با دیگران را برای هر انسانی تأیید می‌کند.

برای برقراری ارتباط درست و مؤثر، مهارت لازم است. دو مهارت مورد نیاز در برقراری ارتباط، «گوش دادن» و «همدلی» است. به وسیله این دو مهارت می‌توان به تدریج با دیگران ارتباطی مؤثر برقرار کرد. تفاهم به آسانی به دست نمی‌آید و باید برای رسیدن به آن کوشش کرد. هنگامی که سخن از ارتباط و ارتباط مؤثر به میان می‌آید، معمولاً ذهن به گفتن و سخنوری معطوف می‌شود؛ اما گوش دادن نیز سهمی مهم در ایجاد ارتباط دارد. اگر گوش دادن از سخن گفتن مهم‌تر نباشد، با آن برابری می‌کند. بدون گوش دادن، ارتباط به هدفی که دارد دست پیدا نمی‌کند. «همدلی» هم توانایی ویژه‌ای است که از طریق آن



می‌توان به شناخت بیشتری از دیگران دست یافت، به نگرش فرد مقابل خویش پی برد و دنیا را از دریچه نگاه او دید. میزان ادراک افراد با یکدیگر تفاوت چشمگیری دارد. هرکس به فراخور حال خود، احوال دیگران را درمی‌یابد. اگر فرد به درک بیشتر دیگری و تفهیم و تفاهم با او علاقه مند باشد، باید برای تشخیص و شناخت تفاوت‌های ادراکی او بکوشد. هر فرد برای برخورداری از حس همدلی باید نسبت به دیگری حساس باشد، او را درک کند و از برخوردهای مبتنی بر قضاوت فردی بپرهیزد (همان، ص ۲۰۷ تا ۲۱۶).

در اسلام بخشی از ارتباط در قالب تبلیغ محقق می‌شود. در ادیان الهی، رساندن پیام اصلی دین به مردم و تصحیح زندگی آنان بر اساس آموزه‌های دینی در قالب تبلیغ پیامبران صورت می‌پذیرد. تبلیغ، نوع خاصی از ارتباط است که با هدف آموزش، اقناع و گاه به عمل واداشتن مخاطب انجام می‌گیرد (خندان، ۱۳۷۴، ص ۱۸۹). در تربیت دینی از الگوی ارتباط چهارگانه انسان با خدا، خود، دیگران و طبیعت سخن به میان می‌آید. خاستگاه رشد و تربیت انسان از تعامل این چهار گونه ارتباط تشکیل می‌شود (سجادی، ۱۳۸۸). البته هریک از ارتباطات انسانی در ذیل ارتباط با خداوند مفهوم می‌یابد. در سیره پیامبر ﷺ، ارتباط با دیگران با هدف ابلاغ پیام الهی، آموزش و تصحیح رفتارهای مردم صورت می‌گرفت.

در حوزه روابط و تعاملات میان افراد جامعه، سخن از انسانیت هر فرد است؛ به گونه‌ای که تفکیک جنسیت در این ارتباط ضرورت نداشته نباشد. در این مقاله، برای شفاف‌تر کردن نگاه انسانی به ارتباط و تعامل میان زن و مرد، اصول تربیتی حاکم بر روابط پیامبر ﷺ با زنان جامعه تحلیل می‌شود. بدین منظور، سیره عملی شخص پیامبر ﷺ در ارتباط با زنان (دیدگاه‌ها و رفتارهایی که حضرت درباره مقوله زن داشتند) بررسی می‌شود.

توجه به بُعد انسانی زنان

حقیقت انسان را روح تشکیل می‌دهد، نه جسم. انسانیت انسان را جان او تأمین می‌کند، نه جسم او و نه مجموع جسم و جان او (جوادی آملی، ۱۳۷۷، ص ۷۶). در برقراری ارتباطات اجتماعی که ضرورت هراجماع انسانی است، توجه به





انسانیت انسان مهم است. زنان نیمی از جامعه‌اند و در این ارتباط سهیم هستند. در ادامه، سیره رفتاری پیامبر صلی الله علیه وآله در ارتباط با زنان جامعه بررسی و اصول محوری در این زمینه تبیین می‌شود.

ارتباط کرامت‌مدار

طبق قرآن، فرزندان آدم از کرامت ذاتی برخوردارند و این کرامت از طرف خداوند به آنها عطا شده است.^۱ در برقراری ارتباط با انسان‌ها و به‌ویژه زنان که در طول تاریخ به شخصیت و هویتشان کم‌توجهی شده است، رعایت کرامت انسانی از ابتدایی‌ترین اصول است.

مالک بن لوزان، بزرگ قبیله بنی‌سمیعه بود که در زمان جاهلیت به آنان بنی‌صماء گفته می‌شد. صماء، به معنای کر، لقب زنی بود که به مالک شیر داده بود. به همین دلیل، فرزندان مالک را با این نام می‌خواندند. بعد از اسلام آوردن این قبیله، پیامبر صلی الله علیه وآله نام قبیله آنان را به بنی‌سمیعه تغییر داد (ابن سعد، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۳۳۷). پیامبر صلی الله علیه وآله با این کار، هم آداب اشتباه رایج در دوران جاهلیت را اصلاح کردند و هم از ماندگار شدن لقب ناصحیح برای آن زن جلوگیری کردند و با انتخاب عنوان سمیعه، به آن زن شخصیت و کرامت بخشیدند.

زینب، دختر قسامه، همسر اسامه بن زید بود؛ اما اسامه او را طلاق داد. پیامبر صلی الله علیه وآله پس از این قضیه به یاران خود فرمودند: «چه کسی می‌خواهد او را به زنی شایسته و پارسا راهنمایی کنم تا با او عروسی کند و خودم برای او همچون پدرزن باشم؟» و در این هنگام، به نعیم نگاه کردند. نعیم گفت: «ای رسول خدا، ظاهراً به من نظر دارید.» پیامبر صلی الله علیه وآله فرمودند: «آری» نعیم با زینب ازدواج کرد و زینب برای او ابراهیم را به دنیا آورد. ابراهیم بن نعیم یکی از سرداران جنگ حره شد و در همان جنگ در سال ۶۳ هجری کشته شد (ابن سعد، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۲۸۷). پیامبر صلی الله علیه وآله در ازدواج اول زینب و معرفی اسامه به او نقش داشتند؛ به همین دلیل، هنگامی که این ازدواج به طلاق منجر شد،

۱. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلاً» (اسراء، ۷۰).



خودشان برای ازدواج مجدد زینب وساطت کردند تا از این راه شخصیت و کرامت یک زن را احیا کنند.

سفانه، دختر حاتم طایی را به همراه اسیران به مدینه آوردند و در مکانی که اسیران را نگهداری می‌کردند، حبس کردند. روزی رسول خدا ﷺ از جلوی محبس می‌گذشتند. آن زن از پیامبر ﷺ آزادی خود را درخواست کرد؛ اما پیامبر ﷺ پاسخی ندادند. سفانه سه روز درخواست خود را تکرار کرد تا آن که رسول خدا ﷺ فرمودند: «با آزاد کردن تو موافقت کرده‌ام، اما برای رفتن شتاب مکن تا شخصی مطمئن پیدا شود و تورا به دیار خود برساند. هرگاه چنین شخصی پیدا شد، به من اطلاع بده تا تورا همراه او به شهر و دیارت بفرستم.» چند روز از این ماجرا گذشت و کاروانی از مردان قبیله حاتم به مدینه آمدند. پیامبر ﷺ مقداری لباس، خرجی راه و مرکبی به سفانه دادند و او را با آنها روانه کردند (رسولی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳۶۰ تا ۳۶۱). پیامبر ﷺ برای حفظ شأن و کرامت سفانه با آزادی او موافقت کردند و برای رفتن او به دیارش، دنبال فرد مناسبی بودند تا او مجبور نشود با هر کسی برود. همین رفتار پیامبر ﷺ دلیل بر اهمیت دادن ایشان به شخصیت و کرامت زنان است.

در رفتار پیامبر ﷺ در ارتباط با زنان، حفظ کرامت انسانی از اصول مهم هرگونه تعامل است؛ کرامتی که حاصل گوهر آفرینش انسان هاست؛ انسانیتی که برخاسته از روح الهی انسان‌ها و کرامت خدادادی آنهاست.

ارتباط استقلال مدار

در جوامع متمدن، نگرش غالب به زن، ابزارگونه است. این نگاه موجب شده مردان و حتی خود زنان، استقلال زن را نادیده بگیرند. شماری از زنان در قرآن با عنوان همسر خوب، مادر خوب و... یاد شده‌اند. البته مقصود این نبوده که زن همچون همزه وصل بین مردها سقوط کند یا ابزار خانواده و جامعه گردد تا دیگران به کمال برسند؛ بلکه منظور بیان شئون مختلف زن در راستای تکامل شخصیت اوست و اینها زن را از استقلال ذاتی



خود، محروم نمی‌کند (جوادی آملی، ۱۳۷۷، ص ۳۳۸). در اسلام، رعایت استقلال ذاتی برای زن به منزله یک انسان که در عبودیت با حضرت حق هویت می‌یابد، تبیین می‌شود، نه در اتصال با جنس مذکر.

هنگامی که پیامبر ﷺ به مدینه هجرت کردند، گروهی از زنان که اسلام آورده بودند به حضورشان رفتند و گفتند: «ای رسول خدا، مردان ما با شما بیعت کرده‌اند. ما هم دوست داریم با شما بیعت کنیم. پیامبر ﷺ ظرف آبی خواستند و دست خود را در آب فرو بردند. بعد، ظرف را به هریک از زن‌ها دادند تا دست خود را در آن فرو برد. این کار، بیعت آنان بود» (ابن سعد، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۸). پیامبر ﷺ در جامعه اعراب که کمترین حقی برای زنان قائل نبودند، با این رفتار خود استقلال زنان را احیاء و با احترام به حق بیعت زنان، استقلال فکری آنها را در مسائل جامعه تأیید کردند.

خنساء، دختر خدام و همسر انیس بن قتاده انصاری بود. انیس در جنگ اُحد شهید شد. پدر خنساء، او را به همسری کسی درآورد که خنساء دوست نمی‌داشت. او به حضور پیامبر ﷺ آمد و گفت: «پدرم بدون این که مرا آگاه کند، من را به همسری مردی درآورده است.» پیامبر ﷺ فرمودند: «با هر کس که می‌خواهی ازدواج کن» و ازدواج او را باطل کردند. (همان، ج ۸، ص ۴۵۳). مطابق احکام اسلام، زن در ازدواج مجدد به اذن ولی نیاز ندارد، با وجود این، پیامبر ﷺ در این ماجرا به تصمیم زن در انتخاب همسر احترام گذاشتند و ازدواجی را که بدون خواست زن بود، باطل کردند. در اصل، پیامبر ﷺ با این کار به استقلال فکری و اختیار زن در زندگی اشاره کردند.

ارتباط عدالت مدار

یاران پیامبر ﷺ در قضایای مختلف برای جلب نظر پیامبر ﷺ و کسب شفاعت ایشان به حضورشان می‌رسیدند. یک بار زنی از قریش دزدی کرده بود و این مسئله از نظر قریش بسیار مهم بود. آنها تصمیم گرفتند در این باره با پیامبر ﷺ صحبت کنند. بدین منظور، اسامه بن زید را که به پیامبر ﷺ نزدیک بود، نزد ایشان فرستادند. اسامه موضوع را مطرح



کرد؛ اما پیامبر ﷺ در اجرای حدود الهی سرسخت و جدی بودند و فرمودند: «به چه دلیل درباره اجرای حدی از حدود خداوند شفاعت می‌کنی؟» سپس برخاستند و خطبه‌ای ایراد فرمودند و گفتند: «همانا پیش از شما کسانی بودند که نابود شدند؛ زیرا هرگاه شخص قدرتمند و خانواده‌داری دزدی می‌کرد، رهایش می‌کردند و هرگاه شخص ضعیفی دزدی می‌کرد، درباره او حد را اجرا می‌کردند. به خدا سوگند می‌خورم اگر فاطمه دختر محمد دزدی کند، دستش را قطع خواهم کرد» (همان، ج ۴، ص ۵۸ تا ۵۹). پیامبر ﷺ با این که در برخورد با زنان بسیار عاطفی و دلسوزانه رفتار می‌کردند، در اجرای احکام جدی بودند و عدالت را رعایت می‌کردند.

ارتباط انعطاف مدار

مدارا و انعطاف یکی از دستورات اخلاقی اسلام و لازمه زندگی خوب و ارتباطات بدون تنش است. پیامبر ﷺ، مدارا را نصف ایمان معرفی می‌کند.^۱ مردی به نام معز در تکفل فردی به نام هزال اسلمی بود. معز در ارتباط با زنی مرتکب گناهی شد و سپس، سخت پشیمان شد. او با هزال درباره گناهِش سخن گفت. هزال به او پیشنهاد کرد نزد پیامبر ﷺ برود و با او در این باره صحبت کند. پیامبر ﷺ درباره او به اجرای حد حکم دادند؛ اما او در حین اجرای حد گریخت. یکی از یاران پیامبر ﷺ به تعقیب او رفت و در اثر ضربه‌ای که به او زد، کشته شد. پیامبر ﷺ به او گفتند: «ای کاش رهایش کرده بودی تا خود توبه کنی» و به هزال اسلمی هم گفتند: «اگر برگناهِش پرده‌پوشی می‌کردی، برای تو بهتر بود». این قضیه در میان مردم پخش شد. پیامبر ﷺ آن زن را خواستند و بدون این که از او چیزی پرسند، فرمودند: «برو» (همان، ج ۴، ص ۲۹۲ تا ۲۹۳). با این که پیامبر ﷺ در اجرای احکام الهی بسیار جدی بودند، اگر شرایط اقتضا می‌کرد، مدارا و انعطاف نشان می‌دادند. رفتار پیامبر ﷺ درباره این زن توجه‌برانگیز است؛ هنگامی که افراد متوجه گناه خود شده باشند یا موضوعی در جامعه نقل محافل شده باشد، تأثیر سکوت و مدارا بیشتر از اقدام و فریاد است.

۱. «مُدَارَاةُ النَّاسِ نِصْفُ الْإِيمَانِ وَالرِّفْقُ بِهِمْ نِصْفُ الْعَيْشِ» (وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۰۱).



پس از فتح مکه و گسترش اسلام، همسران دشمنان اصلی و سرسخت پیامبر صلی الله علیه وآله مانند هند دختر عتبه و ام حکیم دختر حارث بن هشام (همسر عکرمه بن ابی جهل) به همراه ده نفر از زنان قریش به حضور حضرت رسیدند تا با ایشان بیعت کنند. هند در حالی که رویند داشت، صحبت کرد و گفت: «من هند دختر عتبه ام». پیامبر صلی الله علیه وآله فرمودند: «خوش آمدی». آن گاه رسول خدا صلی الله علیه وآله برای ایشان قرآن خواندند و با آنها بیعت کردند. در این هنگام، ام حکیم همسر عکرمه بن ابی جهل گفت: «ای رسول خدا، عکرمه از ترس از شما به یمن گریخته است و می ترسد که او را بکشید. لطفاً امانش بدهید». پیامبر صلی الله علیه وآله فرمودند: «او در امان است» (واقعی، ۱۳۶۹، ص ۶۵۰ تا ۶۵۲). با این که پیامبر صلی الله علیه وآله در ده سالی که در مکه بودند از سوی کافران مکه بسیار اذیت شدند و سه سال با خانواده خود در شعب ابی طالب در سخت ترین شرایط زندگی کردند، در هنگام فتح مکه بسیار عطفانه و باگذشت با همسران دشمنان خود برخورد کردند و حتی با درخواست آنها مبنی بر عفو همسرانشان موافقت کردند.

ارتباط معرفت مدار

شفاء بنت عبدالله از زنان مؤمن صدر اسلام و از عاقل ترین و فاضل ترین آنها بود. او نخستین معلّم زن در اسلام بود که در جاهلیت، خواندن و نوشتن می دانست. او بعد از اسلام، به امید ثواب، به زنان احکام اسلامی می آموخت. به همین دلیل، مورد توجه رسول خدا صلی الله علیه وآله بود. حضرت خانه ای در محله زرگران به او اختصاص دادند. همچنین، پیامبر صلی الله علیه وآله به خانه او می رفت و تعالیم اسلام را به او آموزش می دادند (محمدزاده، ۱۳۹۰، ص ۲۹۰). این رفتار پیامبر صلی الله علیه وآله و ارتباطی که با شفاء برقرار می کردند، نشان از تکریم زنان دانشمند دارد. این موضوع به اندازه ای اهمیت داشت که پیامبر صلی الله علیه وآله هم به فکرتأمین زندگی مادی این زن بودند و هم به ارتقای علمی او اهمیت می دادند. در جامعه ای که بیشتر مردم بی سواد بودند، باید برای بالابردن سطح دانش و سواد مردم برنامه ریزی ویژه ای می شد. آموزش تعالیم دینی به این زن، در همین راستا بود.



توجه به بُعد احساسی زن

گرچه در برقراری ارتباط با زنان جامعه، توجه به انسانیت انسان‌ها اهمیت دارد، سیره پیامبر ﷺ نشان‌دهنده توجه ویژه ایشان به ویژگی‌های خاص زنان مانند احساس و عاطفه است. بنابراین، برای برقراری ارتباط مؤثر در جامعه، توجه به بُعد احساسی زنان اهمیت دارد. در ادامه، سیره عملی پیامبر ﷺ در این باره بررسی می‌شود.

ارتباط عاطفه‌مدار

عاطفه و احساس، فضیلتی است که خداوند به زنان داده است. جوامعی که طرفدار آزادی زن هستند، در اصل، مسخرغرایز خویش شده‌اند، نه مسخرعواطف زن. اسلام زن را آزاد کرده و جامعه را مسخرعواطف او کرده است تا جامعه‌ای عاطفی بنا شود. در چنین جامعه‌ای، معاشرت با زنان بر مبنای رعایت عواطف آنان میسر می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۷۷، ص ۳۹۶).

در جنگ اُحُد، عده‌ای از سربازان پیامبر ﷺ، مأمور حفاظت از تنگه اُحُد بودند؛ اما در آخر جنگ که پیروزی پیامبر ﷺ و یارانش در مقابل دشمنان در حال قطعی شدن بود، این سربازان از کار خود غفلت کردند و دشمن از پشت به سپاه پیامبر ﷺ حمله برد. سپاهیان از اطراف پیامبر ﷺ پراکنده شده بودند و فقط چند تن مانده بودند. در میان این افراد، زنی به نام «نسیبه» با دو پسر و همسرش در کنار رسول خدا ﷺ می‌جنگید. هنگامی که پسر نسیبه زخمی شد، خود او زخم پسرش را بست و همان وقت پیامبر ﷺ کسی را که به پسرش ضربه زد، به او نشان دادند. نسیبه با ضربه‌ای او را به زانو درآورد. پیامبر ﷺ تبسمی کردند و فرمودند: «انتقامت را گرفتی» (واقعی، ۱۳۹۶، ص ۱۹۵ تا ۱۹۶). پیامبر ﷺ بعد از جنگ، سراغ نسیبه را که مجروح شده بود گرفتند و شخصی را به خانه او فرستادند تا از حالش جويا شود و وقتی خبر سلامت وی را شنیدند، خوشحال شدند (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۷، ص ۵۶۱). در این ماجرا، پیامبر ﷺ به نسیبه که دلاورانه در میدان جنگ حضور داشت، توجه داشتند و جويای سلامت و بهبود او شدند.

پس از شهادت جعفر بن ابی طالب، پیامبر ﷺ به منزل او رفتند. پیامبر ﷺ در



حالی که از چشمانشان اشک جاری می‌شد، بر سر فرزندان جعفر دست کشیدند و در حق جعفر دعا فرمودند. سپس بالای منبر رفتند و فرزند جعفر را برپله پایین، جلوی خود نشانند و با چهره‌ای اندوهگین صحبت کردند. آن‌گاه از منبر فرود آمدند و فرزند جعفر را به خانه خود بردند و دستور دادند تا برای خانواده جعفر غذا درست کنند. آن حضرت کسی را هم به دنبال فرزند دیگر جعفر فرستادند. فرزندان جعفر، سه روز در کنار پیامبر صلی الله علیه وآله بودند. رسول خدا صلی الله علیه وآله بعد از آن هم به خانه آنها سر می‌زد (همان، ۱۳۶۹، ص ۵۸۴ تا ۵۸۵). پیامبر صلی الله علیه وآله درباره زنانی که همسرانشان در دفاع از اسلام جان خود را فدا کردند، احساس مسئولیت می‌کردند و به آنها سر می‌زدند تا از نزدیک جویای احوال آنها باشند. رسول خدا صلی الله علیه وآله به هیچ خانه‌ای غیر از خانه همسران خویش وارد نمی‌شد، مگر به خانه ام سلیم. چون در این باره از ایشان پرسیدند، فرمودند: «برادرش همراه من جنگیده و کشته شده است، بدین دلیل بر او رحمت می‌آورم» (ابن سعد، ۱۴۷۴، ج ۸، ص ۴۲۶).

پیامبر صلی الله علیه وآله این رفتار عاطفی را تنها درباره همسران شهدای اسلام ابراز نمی‌کردند؛ بلکه درباره زنان دشمنان خود نیز دلسوز بودند. پس از فتح خیبر، شماری از زنان و کودکان یهودیان خیبر به دست بلال اسیر شده بودند. بلال آنها را از کنار اجساد یهودیان عبور داد و نزد پیامبر صلی الله علیه وآله آورد. زنان با دیدن کشته‌ها بی‌تاب شدند. پیامبر صلی الله علیه وآله به بلال اعتراض کردند و فرمودند: «آیا رحم از درونت رفته که به این صورت زنان را بر کشتگان عبور دادی؟» (ابن اثیر، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۲۵۸).

در جنگ حنین هم پیامبر صلی الله علیه وآله جسد زنی را در میان کشته شدگان دیدند و از اطرافیان پرسیدند: «چه کسی او را کشته است؟» به یکی از همراهان فرمودند: «برو قاتل این زن را پیدا کن و بگو پیغمبر تو را از کشتن زن و کودک دشمن نهی می‌کند (همان، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۳۱۷). نگاه پیامبر صلی الله علیه وآله به زنان فراتر از مصالح و منافع سیاسی بود. عواطف و احساساتی را که لازمه برخورد با زنان است، حتی در رفتار با زنان دشمنان خود، به کار می‌بستند و این نشان می‌دهد ارتباط با زنان باید بر مبنای عواطف شکل بگیرد.



ارتباط عفت مدار

رعایت حریم در روابط زن و مرد و ارتباط عقیفانه از اموری است که پیامبر ﷺ بر آن تأکید داشتند. پیامبر ﷺ به مسلمانان آموخته بودند که رفت و آمد مردان و زنان در کوچه به گونه ای باشد که به اختلاط منجر نشود و دستور دادند هنگام خروج از مسجد، اول زن ها بیرون بروند و بعد، مردها (بانکی پور فرد، ۱۳۸۴، ص ۱۸۱). رعایت حریم میان زن و مرد نباید به گونه ای باشد که دیگر تعاملات میان انسان ها نادیده گرفته شود.

روزی اسماء، همسر زبیر، سبد هسته های خرما را که از زمین کشاورزی همسرش جمع کرده بود، بر سر داشت و پیاده به سوی مدینه می رفت. زمین کشاورزی با مدینه دو سوم فرسنگ فاصله داشت. در راه، رسول خدا ﷺ و تنی چند از یارانش را که سواره به مدینه می رفتند، دید. پیامبر ﷺ به محض دیدن او، نخست برایش دعا کردند و سپس شتر را خواباندند تا اسماء بر آن سوار شود؛ اما اسماء خجالت کشید با مردان همراه شود. پیامبر ﷺ احساس اسماء را درک کردند و به راه خود ادامه دادند و رفتند (ابن سعد، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۲۶۱ تا ۲۶۲). زن در جامعه از شأن خاصی برخوردار است و تا ضرورت اقتضاء نکنند نباید گوهر وجودی خود را مصروف انجام کارهای مردانه بکنند. حضرت علی می فرماید: «زن گل بهاری است، نه پهلوانی سخت کوش.»^۱ پیامبر ﷺ پس از مواجهه با اسماء، بی توجه عبور نکردند؛ نخست برای او که مشغول کار بود، دعا کردند و سپس خواستند به او کمک کنند تا ادامه راه را با شتر پیامبر ﷺ برود. این رفتار پیامبر ﷺ نشان از صداقت در رفتار دارد.

اگر مردان برای زنان جامعه خود شأن و منزلت قائل باشند، در ارتباط زن و مرد، نیت خیر و صداقت وجود داشته باشد و در این ارتباط ها جانب حیا رعایت شود، بسیاری از تعاملات اجتماعی بر اساس ضرورت و بدون ضرر و مفسده، در راستای انجام بهتر امور صورت خواهد گرفت.

روابط اجتماعی و معاشرت های پیامبر ﷺ با زنان صحابه، صمیمی و خالصانه بود.

۱. «فإن المرأة ريحانة وليست بقهرمانة» (غرر الحکم و درر الکلم، ص ۷۵۹).

آن حضرت با آنها دیدار و آنان را تکریم و تجلیل می‌کردند؛ حتی مزاح‌هایی که پیامبر ﷺ در فضای پاک و معصومانه با آنها داشت، در تاریخ نقل شده است (محمدزاده، ۱۳۹۳، ص ۲۵۷). در ارتباط اجتماعی، نمی‌توان بی‌توجهی مرد را در کمک کردن به زن، مثبت دانست و بررعايت حریم میان زن و مرد حمل کرد. چه بسا لازم است گاه برای کمک به هم‌نوع و اهمیت به منزلت زن، قدم پیش نهاد. البته در ضرورت کمک به زن نباید حفظ حیای زن نادیده گرفته شود؛ همچنان که در قرآن^۱ در داستان آب برداشتن دختران شعیب، حضرت موسی پس از دیدن دختران شعیب که در کناری ایستاده بودند، خود برای کمک نزد آنان رفت.

یافته‌ها

رفتار پیامبر ﷺ در ارتباط با مردم جامعه و به‌ویژه زنان از اهمیتی خاص برخوردار است. از یک سو پیامبر ﷺ کوشیدند نگاه حاصل از افراط و تفریط‌های عصر جاهلی را درباره زن اصلاح کنند و از سوی دیگر، با برقراری ارتباط شایسته با زنان، الگوی اسلامی را در این باره تبیین کردند. در جمع‌بندی نهایی، می‌توان به یافته‌های زیر اشاره کرد:

۱. هدف پیامبر ﷺ از برقراری ارتباط، رساندن پیام و آموزه‌های دینی به مردم است. پیامبر ﷺ در راه رساندن این پیام، با توجه به موقعیت، رفتارهای مختلفی انجام می‌دادند.
۲. اسلام دین تعامل است و این تعامل و ارتباط سازنده و مؤثر در جامعه اسلامی، موجب کمال فرد و بالتبع جامعه خواهد شد.
۳. ارتباط پیامبر ﷺ در ذیل ارتباطات چهارگانه انسان تحلیل می‌شود. ارتباطی که پیامبر ﷺ با زنان جامعه داشتند، در سایه ارتباط با خداوند قابل تفسیر است.
۴. هنگامی که انسان‌ها به هدف اصلی در حوزه ارتباط با خداوند و ارتباط درونی با خویش برسند و در این دو حوزه، ارتباطی شایسته برقرار کنند، در دیگر حوزه‌های ارتباطی به راحتی به تعامل با انسان‌ها خواهند پرداخت.

۱. «وَلَمَّا وَرَدَ مَاءٌ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصَدَرَ الرَّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ» (قصص، ۲۳).





۵. پیامبر صلی الله علیه و آله به منزله انسان کامل و بهترین عبد خدا، در همه افعال و گفتار خویش رضایت الهی را بر رضایت مخلوق مقدم می‌داشتند. بنابراین، هنگامی که سخن از اجرای حدود الهی بود، میان زن و مرد تفاوتی قائل نبودند.
۶. لازم است بنا بر مصلحت جامعه و افراد، ارتباط منعطف و همراه با رفق و مدارا سرلوحه تعاملات اجتماعی قرار گیرد.
۷. انسان‌ها، چه زن و چه مرد، از نظر روحانی از یک جنس و مشترک هستند؛ لذا در جامعه و در ارتباط بین انسان‌ها، توجه به انسانیت انسان‌ها اهمیت دارد. بر این اساس، پیامبر صلی الله علیه و آله در ارتباط با زنان جامعه نیز اصول مشترک و خاص برقراری ارتباط را در نظر داشتند.
۸. هرگونه ارتباط انسانی باید بر کرامت انسان مبتنی باشد. پیامبر صلی الله علیه و آله در ارتباط خود با زنان، عدالت، استقلال، انعطاف و معرفت را محور قرار می‌دادند. رعایت این اصول، لازمه برقراری ارتباطاتی شایسته است.
۹. در نظر گرفتن تفاوت‌های زن و مرد، به برقراری ارتباط مؤثر کمک خواهد کرد. اصول ارتباط پیامبر صلی الله علیه و آله در این راستا بر مبنای ارتباط عاطفه‌مدار استوار است. رعایت عفت و حیا در ارتباط زن و مرد در سیره عملی پیامبر صلی الله علیه و آله مشاهده می‌شود. پیامبر صلی الله علیه و آله در این زمینه اعتدال را رعایت می‌کردند.

نتیجه

بر اساس شواهد مقاله می‌توان اصول کلی ارتباط اجتماعی با زنان را در نمودار زیر خلاصه کرد. در جامعه نیز مانند خانواده، توجه به بُعد احساسی و عاطفی زن لازم است؛ اما این توجه در حد ظرفیت اجتماع مفهوم می‌یابد و توجه، بیشتر بر بُعد انسانی زن غالب می‌گردد. در این بُعد، پیامبر صلی الله علیه و آله به زنان نیز همانند مردان نگاهی انسانی داشتند و در ارتباط خود با زنان جامعه به اصول عدالت، معرفت‌بخشی، حفظ استقلال فکری و کرامت توجه فراوان می‌کردند و با زنان رفتارهایی منعطف داشتند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۷۱)؛ الکامل فی التاریخ؛ ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی؛ تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.
۳. ابن سعد، محمد بن سعد (۱۳۷۴)؛ طبقات الکبری؛ ترجمه محمود مهدوی دامغانی؛ تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه.
۴. بانکی پور فرد، امیرحسین (۱۳۴۹)؛ حیا؛ اصفهان: حدیث راه عشق.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)؛ غرر الحکم و درر الکلم؛ قم: دارالکتاب اسلامی.
۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۷)؛ زن در آئینه جلال و جمال؛ قم: اسراء.
۷. جمشیدیها، غلامرضا و قاسم زائری (۱۳۸۷)؛ «سیاست گذاری فرهنگی پیامبر ﷺ و تأثیر آن بر موقعیت فرهنگی - اجتماعی زنان در زیست جهان جاهلی»؛ مجله زن در توسعه و سیاست، ش ۲۳، ص ۵ تا ۳۸.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)؛ وسائل الشیعه؛ قم: مؤسسه آل البيت ﷺ.
۹. خندان، محسن (۱۳۷۴)؛ تبلیغ اسلامی و دانش ارتباطات اجتماعی؛ تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۰. رسولی، سید هاشم (۱۳۷۵)؛ زندگانی محمد ﷺ پیامبر اسلام؛ ترجمه سیره النبویه؛ چ ۵، تهران: کتابچی.
۱۱. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۸۷)؛ فروغ ابدیت: تجزیه و تحلیل کاملی از زندگانی پیامبر اکرم ﷺ؛ قم: بوستان کتاب.
۱۲. سبحانی نژاد، مهدی و حمید علیین (۱۳۸۶)؛ «تبیین نظام مطلوب روابط اجتماعی بر اساس آموزه‌های تربیتی پیامبر اکرم ﷺ در نهج الفصاحه»؛ مجله علوم انسانی مصباح، ش ۷۱، ص ۴۳ تا ۷۲.
۱۳. سجادی، ابراهیم (۱۳۸۸)؛ «قرآن و بازتاب تربیتی روابط چهارگانه انسان»؛ مجله پژوهش‌های قرآنی، ش ۵۹ و ۶۰، ص ۹۰ تا ۱۳۹.



۱۴. شفیعی، محمد (۱۳۹۱)؛ «زن از نگاه پیامبر»؛ فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، ش ۳، ص ۲۳ تا ۳۵.
۱۵. طباطبایی، سید محمد (۱۳۷۴)؛ تفسیر المیزان؛ ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۶. طیبی، ناهید (۱۳۸۶)؛ گونه شناسی رفتار پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با زنان؛ قم: کتاب طه.
۱۷. علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام (۱۳۷۹)؛ نهج البلاغه؛ ترجمه محمد دشتی؛ قم: دفتر نشر الهادی.
۱۸. فرهنگی، علی اکبر (۱۳۷۸)؛ ارتباطات انسانی؛ تهران: خدمات فرهنگی رسا.
۱۹. محمدزاده، مرضیه (۱۳۹۳)؛ زنان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و زنان با پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ تهران: سازمان چاپ و انتشارات وابسته به سازمان اوقاف و امور خیریه.
۲۰. نصر، احمد رضا و همکاران (۱۳۸۳)؛ روش های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی؛ ج ۲، تهران: سمت.
۲۱. واقدی، محمد بن عمر (۱۳۶۹)؛ مغازی تاریخ جنگ های پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ ترجمه محمود مهدوی دامغانی؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

